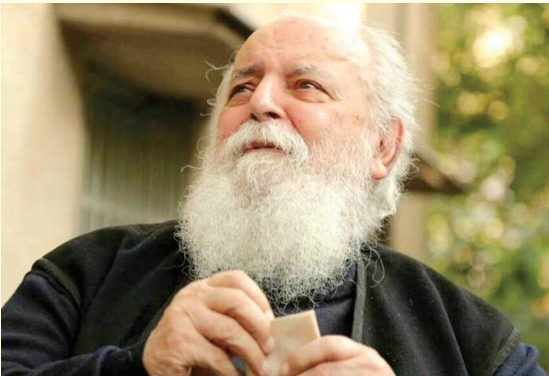


ناگهان شعر



هوشنگ ابتهاج

زین گونه‌ام که در غم غربت شکبید نیست
 گر سر کنم شکایت هجران غریب نیست
 جانم بگیر و صحبت جانانه‌ام ببخش
 کز جان شکبید هست و ز جانان شکبید نیست
 گم گشته‌ی دیار محبت کجا رود؟
 نام حبیب هست و نشان حبیب نیست
 عاشق منم که یار به عالم نظر نکرد
 ای خواجه در دهست و لیکن طیب نیست
 در کار عشق او که جهانیش مدعی است
 این شکر چون کنیم که ما را رقیب نیست
 جانا نصاب حسن تو حد کمال یافت
 وین بخت بین که از تو هنوزم نصیب نیست
 گلبنگ سایه گوش کن ای سرو خوش خرام
 کاین سوز دل به ناله‌ی هر غن‌دلب نیست



گرامیداشت «حسین گل‌گلاب» و نام‌گذاری یک تالار

دانشگاه تهران همزمان با مراسم گرامیداشت حسین گل گلاب، استاد گیاه‌شناسی دانشگاه تهران و ادیب، سالن شورای دانشکده زیست‌شناسی دانشکدگان علوم دانشگاه تهران را به نام‌وی افتتاح کرد. به گزارش ایرنا، حسین گل گلاب، ادیب و ترانه‌سرا و سازنده سرود معروف ای ایران، ای مرز پرگهر و نخستین نویسنده کتاب درسی طبیعی در ایران بود. گل گلاب از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۷، حدود ۱۲ جلد کتاب در رشته جغرافیا و طبیعی تالیف کرد که در مدارس تدریس می شد. وی از سال ۱۳۰۷ مسئول تحقیقات علمی گیاه‌شناسی شد و از زمان تأسیس دانشگاه تهران تا سال ۱۳۴۵ به تدریس اشتغال داشت.

در مراسم گرامیداشت این نویسنده که با حضور مسئولان و استادان دانشکدگان علوم برگزار شد، علی مقاری، معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع دانشگاه تهران، با تأکید بر اهمیت پاسداشت بزرگان و مفاخر دانشگاه، پایداری و ثبات دانشگاه‌های بزرگ کشور را موهون دانشمندان و نام‌آوران دانست و بر ضرورت جمع‌آوری و تدوین تاریخ مشاهیر دانشکده‌های دانشگاه تأکید کرد.

رضا عامری، رئیس دانشکدگان علوم نیز، ضمن تقدیر از اهتمام دانشکده زیست‌شناسی در معرفی و بازشناسی شخصیت چندوجهی دکتر حسین گل گلاب، تحول آفرینی و ارتقای کیفی و کمی دانشکده از جمله اصلاح وضعیت موزه جانورشناسی و به‌سازی فضای دانشکده را از زنده توصیف کرد.

همچنین مه‌ران حبیبی رضائی، رئیس دانشکده زیست‌شناسی، در سخنانی پس از معرفی حسین گل گلاب، شخصیت چندبعدی وی را نتیجه هم‌راهی گیاه‌شناسی و هنر دانست. دکتر علی حائری روحانی، استاد پیش‌کسوت دانشکده زیست‌شناسی دانشکدگان علوم دانشگاه تهران نیز، با ذکر خاطراتی از جلسات واژه‌گزینی علمی که در سال‌های پایانی دهه چهل و اوایل دهه ۵۰ به ریاست دکتر گل‌گلاب برگزار می شد، بر جامع‌الاطراف بودن شخصیت آن استاد فقید تأکید کرد.

می‌=همان‌ویژه مراسم، هما گل گلاب، دختر استاد حسین گل گلاب، نیز با یادآوری خاطراتی، به بیان ویژگی‌های اخلاقی و علمی پدر پرداخت و در پایان مراسم، همراه با دکتر مقاری، از تابلو تالار حسین گل گلاب پرده‌برداری کرد.

غلط نویسیم

برحه / برهه

«بره» به معنی «بخشی از زمان» است و املای آن به همین صورت یعنی با «ها» درست است:

مردم می‌توانند در بره‌های از زمان اشتباه نکنند، فرهنگ هر گز. (ندوشن: ایران و تنه‌ایش، ۱۲)

شیلات ماهی

شیلات به معنی «ماهیگیری و امور مربوط به آن»، نیز به معنی «سازمان یا شرکتی که امور پرورش، صید و فروش ماهی را بر عهده دارد» است. در هر صورت با ذکر «شیلات» نیازی به آوردن «ماهی» نیست

برگرفته از کتاب «فرهنگ درست‌نویسی سخن»
تألیف استاد حسن انوری


فرهنگ و هنر
مردمان مشرق
زمین‌نیاشد،
حتماً دغدغه‌این
موضوع را
دارد و مدام
به مخاطبین
یادآوری می‌کند
که در گوشه‌ای
از جهان که اینجا
باشد مردمانی
با چنین آداب و
فرهنگ زندگی
می‌کنند و
نمی‌خواهند به
فراموشخانه دنیا
سپرده شوند

استاد شفيعی کدکنی؛ مظهر پویایی در ۸۵ سالگی

نگاهی اجمالی به جامعیت و گستره دانش یکی از ستون های ادب معاصر فارسی

نادره کاران فرهنگ و ادب

محمد بهبودی نیا
culture@khorasannews.com



محمدرضا شفيعی کدکنی، با نام ادبی م. سرشک، در ۱۹ مهر ۱۳۱۸ در کدکن خراسان به دنیا آمد. در خانواده‌ای اهل علم بزرگ شد و از کودکی نزد پدرش علوم عربی را آموخت. پدرش، آ میرزا محمد، روحانی بود و به همراه محمدتقی ادیب نیشابوری که از نزدیکان خانوادگی آن‌ها بود، شفيعی کدکنی را با دنیای ادبیات و زبان عربی آشنا کردند. در هفت سالگی، او تمام الفیه ابن مالک را از حفظ داشت و در ادامه به یادگیری فقه، کلام و اصول نزد شیخ هاشم قزوینی پرداخت. پس از درگذشت شیخ هاشم، او تا آخرین مراحل درس خارج فقه را نزد سید محمدهادی میلانی ادامه داد.

تحصیلات دانشگاهی

محمدرضا با پیشنهاد دکتر علی اکبر فیاض، در دانشگاه فردوسی مشهد نام‌نویسی کرد و در کنکور نفر اول شد. او در دانشکده ادبیات این دانشگاه تحصیل کرد و سپس برای ادامه تحصیل به دانشگاه تهران رفت. در تهران، زیر نظر استادانی چون علامه فروز انفراد کتر پرویز ناتل خانلری به مطالعه آکادمیک زبان و ادبیات فارسی پرداخت و مدرک دکتر ی خود را در این رشته از دانشگاه تهران دریافت کرد. از سال ۱۳۴۸، شفيعی کدکنی به‌عنوان استادر دانشگاه تهران به تدریس و تربیت دانشجویان پرداخت و همچنان در این سمت فعالیت می‌کند.

سرودن شعر و انتشار آثار

شفيعی ابتدا به شیوه قدمایی شعر می سرود، اما پس از مدتی به سبک نوین نیمایوشیج روی آورد. انتشار دفتر "در کوچه باغ‌های نیشابور" او را به شهرت رساند و جایگاه ویژه‌ای در ادبیات معاصر ایران پیدا کرد. این چهره ماندگار ادبیات در بسیاری از حوزه‌های ادبیات و عرفان صاحب‌نظر است و مقالات و پژوهش‌های فراوانی در این زمینه‌ها نوشته است.

آثار انتقادی ونظری

آثار شفيعی کدکنی را می‌توان به سه بخش انتقادی، نظری و مجموعه اشعار تقسیم‌می‌شود. در بخش انتقادی، او به تصحیح آثار کلاسیک

گشایش پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی

پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی همزمان با سفر وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به تاجیکستان افتتاح شد. به گزارش ایسنا، سیدرضا صالحی امیری در آیین افتتاح این پژوهشگاه در شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، که مطلوبه خان ستاریان وزیر فرهنگ تاجیکستان، ـ، صمد حسن زاده، رئیس اتاق بازرگانی ایران حضور داشتند، گفت: زبان فارسی، یکی از مهم‌ترین عناصر هویت فرهنگی این دولت است که فردوسی، به‌عنوان نماد این زبان، آن را پایدار نگاه داشته است. وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اظهار کرد: در دنیای امروز، خشونت‌ها و مناقشات هزینه‌های سنگینی بر ملت‌ها تحمیل کرده است، اما چیزی که همچنان ماندگار مانده، پیوند فرهنگی و زبانی میان ایران و تاجیکستان است. زبان فارسی،

ریشه در پاییز

نگاهی به کتاب «رویای مردان ایرانی» نوشته ماردین ابراهیم

حیدر کاسبی
culture@khorasannews.com



اگر اصالت و هویت را از انسان بگیرند، چه چیز دیگری برایش باقی می‌ماند؟ اگر اسطوره‌هایش را از او بگیرند، چه؟ آن وقت آیا ریشه‌هایش در سرزمینی سفت خواهد شد؟ مثل درختی که با ساقه‌ها و ریشه‌هایش از خاکی به خاک دیگر برده می‌شود و انگار که از بهار به زمستان تبعید می‌شود، آدمی نیز دور از وطن همیشه برایش پاییز است و رنگ بهار را خواهد دید.

کتاب «رویای مردان ایرانی» نوشته ماردین ابراهیم، نویسنده کرد ساکن اربیل عراق، روایتگر مفاهیمی از این دست است. روایت جست و جوی انسان برای دستیابی به هویتی است که بتواند برای فرزندانش به ارمان بگذارد. این که در زندگی هیچ چیز بالاتر از خود زندگی نیست و زندگی حتماً آرزوش را دارد که برای آرمان‌هایت مبارزه کنی.

در ستایش صلح

کتاب درباره ایرانیان کردستان و خراسان است



استاد محمد رضا شفيعی کدکنی نه تنها استاد زبان و ادبیات فارسی و شاعر، بلکه نمادی از ادبیات معاصر ایران است که با شخصیت منحصر به فرد و دانش عمیق خود، تأثیرگذار و محبوب است. اگر چه شفيعی کدکنی خود را شاگرد بهار، شهربار می‌داند، اما باید به این واقعیت اعتراف کرد که در برخی بخش‌ها حتی از استادان خود نیز فراتر رفته و ایستاده است



او در سروده‌های خود، با بهره‌گیری از زبان نرم و رمزی، ناهنجاری‌ها و محدودیت‌های اجتماعی را همواره گوشزد می‌کند. شفيعی کدکنی با اشراف کامل بر ادبیات فارسی و آگاهی عمیق از تاریخ، عرفان و تصوف، توانسته است در شعرهای خود به موضوعات اجتماعی بپردازد. او با درک عمیق از روح شعر فارسی، به اهمیت موسیقایی و تحرک وزن‌های مناسب بی‌برده و با پرهیز از افراط در فرمالیسم، ارتباط موثری با مخاطبان برقرار کرده است. تاریخ در شعر شفيعی حضوری نیرومند

دارد و آگاهی او از تاریخ و دید زرف در این زمینه، تأثیرگذاری شعر هایش را دوچندان کرده است. یکی از ویژگی‌های مهم شعر شفيعی، رعایت ایجاز و اقتصاد کلمه است که در شعرهای کوتاه او به اوج می‌رسد. او با تسلط بر وزن و ردیف و قافیه، شعرهای آهنگین و دلنشینی خلق کرده و با پرهیز از پیام‌های نومیدکننده، مخاطبان را به تحرک و خودباوری

«ایرانم»؛ تور کنسرت علیرضا قربانی در ۱۴۰۴

تور کنسرت جدید علیرضا قربانی با عنوان «ایرانم» از بهار ۱۴۰۴ در شهرهای مختلف کشور آغاز می‌شود. به گزارش ایرنا، جدید علیرضا قربانی، خواننده موسیقی ایرانی با عنوان «ایرانم» از بهار ۱۴۰۴ در شهرهای مختلف و تمرکززدایی از تهران برگزار می‌شود. آخرین اجرای قربانی در تهران در تور کنسرت قبلی، اسفندماه ۱۴۰۲ با استقبال چشمگیر مخاطبان همراه بوده است. در این فاصله تولید و تنظیم قطعات جدید در دستور کار گروه تهیه و تولید این خواننده بوده است که به زودی منتشر خواهند شد.



آرمانشهری نیست که پنجره‌هایش رو به دریا باز باشد. آرزوی زیستن کنار آدم‌هایی است که گوشی برای شنیدن دردهای یکدیگر داشته باشند و تفاوت در رنگ، زبان و نژاد بیشتر از آنکه مایه اختلاف و جنگ بینشان باشد به نزدیک تر شدنشان به یکدیگر کمک کند. آرزویی که در جهان امروز آنقدر بزرگ و دست‌نیافتنی شده که تبدیل به رویا شده است.

اوفلیا، شخصیتی است که در این کتاب که بعد از کشته شدن پدرش قدرت تکلمش را از دست می‌دهد. او چرا تمثیلی از انسان جنگرده‌ای نباشد که حتی حق حرف زدن هم از او سلب شده است. اگر اوفلیا به سخن بیاید، چند روز و چند هفته و ماه می‌تواند حرف‌های نگفته‌اش را به دیگران بگوید؟ اصلاً کسی آیا تاب حرف‌های اوفلیا را دارد؟

مم و زین، رومثو و ژولیت گرد

نویسنده به شکلی نمادین در داستان به روایت «مم و زین» که از آن به عنوان «رومثو و ژولیت» گردی یاد می‌کنند، می‌پردازد. و این که خانه‌ای امن بعد از خود به یادگار بگذارد.

ادب و هنر | ۷